Archive of SID.ir

The first scientific/specialist publication
Islamic Azad University, Rafsanjan branch
Issue No. 5 – Fall 2024
The Fundamental Research In Law

Examining the arbitration conditions in dealing with family disputes and alternative dispute resolution methods from a jurisprudential point of view

Masoud Bagheri, Samira Taj Khorasani

Submission Date: 17 October 2024 | Acceptance Date: 24 November 2024

Abstract :

The family is the foundation of human society and the primary center for the growth and development of individuals. However, like any institution, it may face conflicts and disputes. In such cases, efforts should be made to resolve disagreements in a way that preserves the family's valued position and the ethical principles governing it.

To strengthen the family institution and reduce divorce cases in judicial courts, the Iranian legislator, following the principles of Islam, has provided for arbitration in family disputes and specified the conditions for arbitrators in family-related cases. Given the significance of this matter, the legislator has even mandated arbitration in certain family disputes. This is because the regulations on arbitration hold considerable importance within family law, aiming to ensure the stability of family relationships.

To achieve this goal and better solidify family bonds, the legislator has frequently revised the arbitration-related regulations in family law, making this area of legislation subject to continuous change. Therefore, it is essential to study and examine the conditions and impacts of arbitration in addressing family disputes.

Keywords:Arbitration, Family Law, Family Disputes

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پژوهش های بنیادین در حقوق
اولین نشریه علمی/تخصصی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان
شماره پنجم_پائیز ۱۴۰۳
FRL
پژوهش های بنیادین در حقوق

بررسی شرایط داوری در رسیدگی به اختلافات خانوادگی وشیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف از منظر فقهی

مسعودباقری[۱]، سمیرا تاج خراسانی[۲]

تاریخ ارسال: ۲۵ / ۷ / ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۳ / ۹ / ۱۴۰۳

چکیده:

خانواده شالوده جامعه انسانی و کانون اصلی رشد و تعالی افراد محسوب می شود. با این حال همچون هر نهاد دیگری ممکن است تعارضات و اختلافاتی در آن به وجود اید. در این موارد باید تا حد امکان کوشید که اختلافات به نحوی حل و فصل شوند که به جایگاه ارزشمند خانواده و قواعد اخلاقی حاکم بر آن لمه ای وارد نشود. در جهت تحکیم نهاد خانواده و کا ستن از پرونده های طلاق در مراجع قضایی، قانونگذار ایران نیز به تبع دین مقدس اسلام، داوری در دعاوی خانوادگی و احکام مربوط به شرایط داوران در دعاوی خانوادگی را در قانون پیش بینی کرده و حتی با توجه به اهمیت موضوع در برخی موارد به داوری اجباری در دعاوی خانوادگی نیز تصریح نموده است.زیرا نتایج نشان‌می دهد درمیان قوانین مربوط‌به‌خانواده،مقررات‌مربوط به‌حکمیت یا داوری نیز واجداهمیت است، زیرا هدف‌آن‌استواری روابط‌خانوادگی است. قانونگذار برای نیل به هدف‌مذکور که بهتر بتواند استحکام روابط خانوادگی راتأمین نماید، مقررات‌مربوط به داوری درحقوق‌خانواده‌رابارهاتغییر داده‌واین بخش‌ازقوانین ماپیوسته در حال‌تغییر بوده‌است. از این رو مطالعه و بررسی شرایط وآثار داوری در رسیدگی به اختلافات خانوادگی ضروری می باشد.

کلید واژگان: داوری،حقوق‌خانواده، اختلافات خانوادگی

---

۱. مسعود باقری، استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

۲. سمیرا تاج خراسانی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بیان مسئله

خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و به عنوان یک ساختار اجتماعی تصادفی محسوب نمی شود (توحیدی، ۱۳۹۱ :۱۰.)اهمیت این نهاد به قدری است که اندیشمندان تدبیر منزل را در کنار سیاست مدرن از محورهای اساسی حکمت عملی قرار داده اند (هدایت نیا،۱۳۸۸ :۱۱). امروزه نیز در دنیا به خانواده و نقش بنیادین آن در پیشگیری از انحرافات جنسی و فساد اجتماعی اهمیت داده شدهاست) اسدی و شکری، ۱۳۹۳ :۲). و از آن به عنوان سنگ بنای جامعه ی موفق یاد می شود.حفظ بنیان خانواده در قوانین کشورها، اعلامیه ها و میثاق های بین المللی در اولویت توجه دولتمردان قرار گرفته است. اسلام نیز برای خانواده جایگاه و منزلت خاصی قائل است و آن را به عنوان محبوبترین و عزیزترین بنا نزد خداوند متعال معرفی کرده(حرعاملی، ۱۳۸۷: ۲٦٦ .)و از هم گسستن آن را لرزاندهی عرش عظیم الهی دانسته است)همان) بر این اساس برای تشکیل و استحکام این بنیان مقدس طرح و برنامه ی خاصی ارائه کرده و علاوه بر وضع اوامر و نواهی متعدد اخالقی، احکام حقوقی خاصی نیز برای آن قرار داده است. برخی از این احکام و قواعد مربوط به مواردی است که در روابط زوجین مشکلی پیش آمده و بین آنها اختلاف ایجاد شده باشد. خداوند متعال در این موارد تدابیری وضع نموده تا از یک طرف به روشی معقول از تزلزل بی جهت بنیان خانواده جلوگیری به عمل آید و در عین حال در مواردی که امکان ادامه ی زندگی مشترک وجود نداشته باشد به روشی منصفانه و متعارف از یکدیگر جدا شوند. از جمله تدابیر قرآنی در این موارد، ارجاع اختلاف پیش آمده به داوری یا حکمیت خانوادگی است. در سیستم حقوقی ما نیز با الهام از این تدبیر قرآنی، ارجاع اختلافات خانوادگی به داوری پیش بینی شده و قانون- گذار در موارد خاصی از ایجاد اختلاف بین زوجین ایشان را به ارجاع امر به داور یا حکم مورد نظر طرفین ملزم نموده است.

داوری (حکمیت) تدبیری قرآنی برای حل مناقشات خانوادگی است. این حکم قرآن کریم مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و مقرراتی در همین خصوص وضع شده است. از این رو داوران باید دارای شرایطی از جمله از فامیل زوجین، مورد اعتماد زوجین و دادگاه باشند واز آثار آن فصل خصومت و تعیین نظم حقوق جدید در رابطه با طرفین و داعتبار امر مختومه و صلح و سازش ایجاد کردن بین زوجین و خانوادهها می باشد.علاوه براین، قطعی و لازم الاجرا بودن مهمترین ضمانت اجرأی آرأی داوری بشمار می رود. به بیان دیگر، رأی داور قابل رسیدگی مجدد نیست و دارأی قدرت اجرأیی است. همانطور که مشخص هست رأی داور باید واجد شرأیطی باشد تا معتبر و قابلیت اجرأیی داشته باشد وگرنه فاقد اثر قانونی و در واقع باطل و کان لم یکن تلقی می شود.

به عبارت دیگر ، داوری فرآیندی است که بر اساس آن طرفین اختلاف، به جای مراجعه

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به دادگاه، اختلاف موجود یا احتمالی نسبت به حقوق و تعهدات خود را به داوری یک یا چند نفر ارجاع داده تاداور یا داوران بر اساس اصول حقوقی، اختلاف را حل و فصل نموده و رأی لازم الاجرا صادرکنند. مهمترین ویژگی و حسن داوری در مقابل دادرسی،تراضی طرفین در ارجاع اختلاف خود به داوری است،در واقع فصل تمایز داوری و دادرسی،تراضی طرفین در ارجاع اختلاف موجود یا احتمالی خود به داوری است. در حالی که این خصیصه در دادرسی وجود ندارد.

۱-شرط داوری در اختلافات خانوادگی

شرط داوری بطور معمول به تعهدی فرعی که ضمن یک قرارداد دیگر میآید و موضوع آن ارجاع اختلافات آتی به داوری است شرط داوری گفته میشود. قانون آیین دادرسی مدنی، قرارداد داوری را به لحاظ چگونگی انعقاد به دو نوع ضمنی و جداگانه تقسیم کرده و درماده ٤٥٥ مقرر »متعاملین میدارد میتوانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضینمایند که در صورت بروز اختالف بین آنان به داوری مراجعه کنند.« موضوع این است که آیا قرارداد داوری دربارهی عقد نکاح به هر دو نوع آن معتبر است.(شریعت کرمانی،گرغانی١٩٤،١٤٠٠).

۱-۱شرط ضمنی داوری در حقوق خانواده

طرفین قرارداد میتوانند از طریق شرط ضمن عقد، بعضی آثار شرعی و قانونی عقد را تغییر دهند و توافق خود را جایگزین آن کنند یا آثار آن را تکمیل کرده و مواردی را بر آن بیفزایند .شروط ضمنی در عقد نکاح و غیر آن به لحاظ فقهی نافذ و الزامآور است .بعضی فقها در کتاب النکاح مبحثی را به شروط مذکور در عقد نکاح اختصاص داده و نوشتهاند: جایز است در ضمن عقد نکاح هر شرط جایزی درج شود و بر مشروط علیه واجب است به آن وفاء نماید(موسوی الخمینی،١٣٦٣)شرط ضمنی ، تعهدی تبعی است که در متن عقد ذکر نمی شود، خواه پیش از عقد ذکر شود و عقد با لحاظ آن تشکیل شود که شرط بنایی هم نامیده می شود. خواه هرگز ذکر نشود و از اوضاع و احوال یا سیره عرفی با سایر قرائن استنباط شود، مانند صفت سالم بودن مبیع که به رغم عدم تصریح به آن، نه در متن عقد و نه پیش از آن، ضرفاً به دلیل تفاهم عرفی، شرط ضمن عقد شناخته می شود

۱-۲قرارداد جداگانه داوری

توافق ارجاع به داوری هم میتواند به صورت مستقل(به شکل قراردادی جداگانه)و یا به صورت شرط ضمن عقد واقع شود .در هر صورت توافق داوری ممکن است به صورت سند رسمی و یا عادی به موجب لایحه ای جداگانه و یا مشترک که به امضای طرفین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رسیده تنظیم و به مرجع قضایی تسلیم گردد و یا در جلسه دادرسی اعلام و در صورت جلسه درج گردد و به امضای طرفین برسد و یا حتی شفاها واقع گردد،که البته در این صورت طرف مدعی وجود)توافق شفاهی(در صورت انکار طرف مقابل باید وجود آن را اثبات کند .برخالف شروط ضمن عقد نکاح که در لزوم وفای آن به لحاظ فقهی و حقوقی اختلافی نیست، درباره قرارداد جداگانه داوری مناقشاتی مطرح می شود(شریعت کرمانی،گرغانی،۱٤۰۰،ص۱۹٦)مطابق ماده ٤٥٥ قانون آیین دادرسی مدنی، قرارداد داوری در معاملات ممکن است جداگانه منعقد شود .چنین قراردادی در حقوق مدنی ایران معتبر قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن ، و الزام آور است .مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی مقصود از قرارداد . را منعقدنموده اند، درصورتیکه مخالف صریح قانون نباشد نافذ است قراردادهای خصوصی در این قانون ، عقود جدیدی است که نام معینی در فقه اسلامی و قانون مدنی ندارد. براساس نظر بعضی حقوقدانان این ماده حاوی اصل آزادی قرارداده است و به حکومت اراده نیز دامنه گسترده ای می بخشد و آن را از حصار عقود معین خارج می کند .این ماده نفوذ شرط را از این قید که ضمن عقد واقع شود رها سازد. (کاتوزیان ۱٤٤،۱۳۷٤_٤٦۱)قرارداد مستقل داوری در معاملات نافذ ولازم الوفاء است، ولی در عقدنکاح شرط بدوی محسوب شده و الزامآور نیست .توافق داوری دربارهی عقد نکاح و آثار آن باید به صورت شرط در ضمن عقد نکاح یا شرط بنایی باشد(هدایت نیا ۱۳۹۸،ص۲٦).

۲-الزامات و شرایط داوری

قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در مواد ٤٥٤ الی ٥۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی باب هفتم به بحث درباره داوری پرداخته است. گاهی داور، شخصیت حقیقی است یعنیطرفین قرارداد فردی را به عنوان داور انتخاب و در متن قرارداد به آن اشاره می کنند و گاهی نیز به صورت شخصیت حقوقی است، یعنی شرکت یا مؤسسه ای را به عنوان داور تعیین می کنند، نکته مهم در خصوص زمان انتخاب داور این است که انتخاب داور در هر مرحله ای اعم از زمان انعقاد قرارداد یا در زمان اجرای مفاد آن و حتی پس از طرح دعوی در دادگاه امکانپذیر است، به هر حال شرایط داوری در واقع ناظر به سه مورد است:

۱-شرایط اشخاصی که امری را به داوری محول می کنند، موافقت نامه داوری را اشخاصی می توانند منعقد کنند که اهلیت اقامه دعوا را داشته باشند. چه بسا ماده ۲۱۰ قانون مدنی راجع به اهلیت طرفین مقرر میدارد که: متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند و در ماده ۲۱۱ می گوید: برای این که متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند.

۲-شرایط کسانی که به عنوان داور انتخاب میشوند، بنابر ماده ٤٦٦ ق.آ.د.م. اشخاص زیر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

را هر چند با تراضی طرفین دعوا، نمیتوان به عنوان داور انتخاب کرد:

الف) اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.

ب) اشخاصی که به حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند. بنابر ماده ٤٦٩ ق.ا.د.م. دادگاه نمیتواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین: الف) کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد. ب) کسانی که در دعوا ذینفع باشند.

ج) کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند،

د) کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا میباشند، ذ(کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشد،

ر)کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.

ز) کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند.

ط) کارمندان دولت در حوزه ماموریت آن(واحدی۱۳۸۳،جلد۳ ،۵۷۰).

۳-شرایط رسیدگی به اختلافات خانوادگی

برای آن که شرایط داوران در منابع اولیه آن بررسی و معرفی شوند و نیز بروز عینی و قانونی شرایط داوران در دعاوی خانوادگی مبرهن گردد؛ ابتدا جایگاه بحث در متون دینی گزارش میشود و سپس انعکاس آن مطالب در قالب مقررات موضوعه نشان داده می شود، تا دخل و تصرفات مرجع تقنینی نمایان گردد و به لحاظ کاربردی نیز مطالب ارائه شده قابل استفاده باشد. بعد اجرایی و حکومتی داشتن نهاد داوری در یک نظام حقوقی و حاکم بودن فقه اهل سنت، ما را بر آن داشت که در کنار فقه امامیه به منابع اهل سنت نیز مراجعه نماییم. در ارجاع به منابع، جهت رعایت تناسب حجم مقاله، بنا را بر اختصار و گزینش قرار داده ایم.

۳-۱شرایط داوران در منابع اسلامی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اهم شرایطی که از سوی علمای اسلامی (اعم از مفسران و فقها)در مورد داوران خانوادگی یا همان حکمین مورد اشاره قرار گرفته است و به ندرت در مورد آنها بررسی های مفصل معمول گردیده به قرار زیر است:

۱) بلوغ: دو حکم باید از بلوغ شرعی برخوردار باشند، از این رو، صغیر، اعم از ممیز و یا غیر ممیز را نمی توان داور قرار داد.

۲-عقل :حکمین نبایددیوانه باشند اعم از ادواری و اطباقی

۳)رشد گفته شده است که داوران باید از سفه بدور باشند. اگر مراد از «سفه» غیر عقلایی بودن عموم تصرفات مالی شخص باشد، با این اشکال مواجه است که داوری خانوادگی ماهیتا عملی غیر مالی است؛ اگرچه از پارهای جهات نیازمند اظهار نظر در روابط مالی زن و شوهر است.

٤) اسلام :لزوم مسلمان بودن حکمین اگر چه در کالم بعضی از دانشمندان مسلمان تصریح شده است ولی این شرط در عبارات بسیاری دیگر مسکوت مانده است؛ با این حال، تصریح بسیاری بر شرایطی چون عدالت، به گونه ای است که لزوم مسلمان بودن داوران بالملازمه با خود دارد.

۵)عدالت: در این که آیا الزم است حکمین، عادل باشند به این معنا که دارای ملکه اجتناب از کبائر و عدم اصرار بر انجام ضغائر ازگناهان باشند، میان دانشمندان مسلمان اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از علمای اهل سنت، عدالت ایشان را مطلق شرط میدانند؛ چه تحکیم و داوری را از باب توکیل بدانیم و چه از مقوله حکومت و قضاوت.

٦)خویشاوند بودن با زوجین : آیا الزم است حکمین با زوجین قرابت سببی یا نسبی یا رضاعی داشته باشند، یعنی حکم مرد از فامیل مرد و حکم زن از ارقاب زن باشد، یا اگر از غیر اقارب هم باشند ایرادی ندارد؟ یا وجه دیگری در این بین وجود دارد؟ بعضی از علمای عامه معتقدند ابتدائا نمی توان حکمین را از غیر خویشان زوجین انتخاب نمود بلکه در وهله اول باید سراغ حکمین دارای شرایط لازمه را از جمع فامیل زوجین گرفت؛ اما اگر از این جستجو نسبت به هر دو یا یکی از ایشان مأیوس شدیم، آنگاه می توانیم اقدام به تعیین حکمین از غیر اقارب ایشان نماییم. در وجه تقدم اقارب نیز گفته شده است « که فامیل زوجین از دیگران نسبت به باطن قضیه و اوضاع و احوال مربوطه آگاهتر می باشندو از دلسوزی بیشتری برخوردارند« همین ویژگی باعث شده که در فرض عدم وجدان حکمین در میان خویشان زوجین گفته شود: مستحب است که آن دو را از میان همسایگان ایشان انتخاب نماییم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۷–مرد یا زن بودن داوران: سوال این است، آیا الزم است حکمین هر دو مرد باشند یا چنین چیزی الزم نبوده و هر دو می توانند زن باشند و یا آنکه حکَم زن، زن و حکم شوهر مرد باشند و بالعکس؟ آنچه که از آیه مربوطه بر می آید این است که خداوند در این آیه از لفظ حکم استفاده کرده است و با فرض مذکر بودن این لفظ از آنجا که روال قرآن بر این بوده که نوعا «به صیغه»مذکر احکام را تشریع نماید لذا نمی توان خصوص رجل بودن حکم را از این آیه استفاده کرد. اما در مورد روایات باید بگوییم که در روایات منقول از ائمه علیهم السلام تصریحی بر لزوم مرد بودن حکمین نشده است .

۸–خبره بودن در حل و فصل مسائل خانوادگی: صالح الازهری با تاکید بر اشتراط چنین امری اظهار میدارد: »حُکم حکمی که فقه و اطلاع دقیق از احکام مربوط به نشوز و خیر و شر امور مربوط به زن و شوهر را ندارد باطل می باشد؛ زیرا شرط حکومت هرکسی که عهده دار این منصب در هر کاری می شود آن است که نسبت به آن مورد علم داشته باشد

بعضی دیگر از فقهای اهل سنت با پیش کشیدن همان تفصیل معروف در مورد تحکیم یا توکیل بودن داوری می گویند: «اگر آن دو را حاکم بدانیم قطعاا باید فقیه باشند ولی اگر آن دو را وکیل از جانب زوجین میدانیم نیازی به این شرایط نبوده و می توانند از مردم عامی باشند. با این حال، همان طور که در شرط قبلی متذکر شدیم چنین تفصیل و برقراری ملازمه میان حکومتی دانستن داوری و لزوم رعایت تمام شرایط قاضی در داور، نزد فقهای امامیه مسلم دانسته نشده است؛ لذا در لسان بسیاری از فقهای امامیه از این شرط به عنوان »بصیر بودن حکمین در کار خود« یا «االهتداء الی ماهو القصود من بعثها» یاد شده است. به نظر میرسد عمدهترین دلیل بر لزوم وجود این شرایط این باشد که عقل، حصول غرض مورد انتظار از بحث حکمین را منوط می داند به قدرت وآگاهی حکمین در انجام مسئولیتی که عهده دار انجام آن شده اند. یعنی اطلاع از مسائل خانوادگی.

۹–دو نفر بودن داوران: چنانکه می دانیم در قرآن کریم لفظ حکمین به صیغه تثنیه ادا شده است که ظهور در خصوص دو نفر دارد، نه بیشتر و نه کمتر، نتیجه این ظهور آن است که بگوییم برای مشروعیت تحکیم، حکمین باید دو نفر، یکی از جانب زوجه و یکی از طرف زوج، برگزیده شوند و الغیر. تا آنجا که ما بررسی کردهایم فقها و مفسرین نیز همین لفظ حکمین را استعمال کرده و عموما احتمال خلالف آن را به بررسی نشسته اند. با این وجود هستند کسانی که می گویند یک حکم واحد نیز برای انجام حکمیت میان زوجین کفایت کرده و حُکم او مانند حُکم دو حوکم از اعتبار برخوردار می باشد.

حضرت امام خمینی (ره) نیز می فرمایند: « لزومی ندارد از هر طرف فقط یک حکَم

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

معرفی شود بلکه اگر مصلحت ایجاب کند که بیش از یک نفر از هر طرف معرفی شوند، همان تعداد معین میگردد. به نظر می رسد که وجه این دو اظهار نظر آن است که چون، موضوع بعث حکمین، اصلاح است لذا با هر تعداد حوکَم که به این هدف برسیم، همان مشروع خواهد بود، و ظاهر آیه را نیز به مورد اغلب حمل کرده یا آن را بر استحباب حمل می نماییم.

۱۰–خلوص نیت در اصلاح میان زوجین: چنانکه قبال نیز از نظر گذراندیم خداوند کریم در ادامه تشریع تأسیس حکمیت در فرض شقاق میان زوجین میفرمایند «.. ان یریدا اصلاحا یوفق الله بینهما» در برداشت از این آیه و اینکه چه کسانی موظف به داشتن خلوص نیت و قصد اصلاح هستند، اظهار نظرات گوناگونی از طرف اندیشمندان مسلمان ارائه شده است.

۲–۳– موضع قانون گذار نسبت به شرایط داوران

با آنکه به تناسب عنوان و مجال این نوشتار، درصدد معرفی تفصیلی سیر تاریخی قوانین موضوعه مربوط به داوری خانوادگی نمی باشد؛ ولی همین مقدار اشاره می نماییم که از سال ۱۳۱۸ و طی ماده ٦٧٦ از قانون آیین دادرسی سابق و به تصریح نویسنده قانون مزبور، آیه قرآن (و ان خفتم) الهام بخش وارد ساختن نهاد داوری خانوادگی در این متن قانونی بوده است. تقریبا همین روند در قانون حمایت خانواده سال ٤٦ و نیز قانون حمایت خانواده سال ۵۳ آیین نامه اجرایی آن مصوب سال ۱۳۵٤ علی رغم جهت گیری حاکم بر این دو قانون در الئیک نمودن نظام حقوق خانواده در ایران قابل مشاهده است. در قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقالب طی ماده ۳ به آیه داوری صریحا اشاره می شود. نکته مشترک در تمام این قوانین آن است که به طور مستقل و مستوفا به مسئله اوصاف داوران پرداخته نشده است. ابهام و اجمال موجود در مورد شرایط داوران که علی القاعده و مطابق اصل ١٦٧ قانون اساسی و ماده ٢١٤ قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۷۸ و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۳۷۹ ازطریق مراجعه به متون فقهی می بایست بر طرف میشد؛ در سال ۱۳۷۱ و با تصویب نهایی «قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق»از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، این امکان را یافت که در دل متون قانونی بر طرف شود به این صورت که مطابق تبصره ماده واحده مزبور مقرر شد که آیین نامه اجرایی حکمیت توسط وزیر دادگستری تهیه و به امضای رئیس قوه قضائیه برسد.

از مطالعه مواد نه گانه آیین نامه اجرایی مزبور که در تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۲ به تصویب رئیس

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

قوه قضائیه وقت رسید؛ گذشته از آن که در ماده ۳ به لزوم انتخاب بدوی داوران از بین اقارب زوجین تصریح گردید طی ماده ٤ ،شرایط ٦ گانه زیر به عنوان شرایط داوران معرفی شد:

۱ –مسلمان۲ –آشنا به مسائل شرعی، خانوادگی و اجتماعی۳ –حداقل ٤٠ سال تمام٤ –متاهل٥ –معتمد ٦ –عدم اشتهار به فسق و فساد

در ماده ۷ این آیین نامه نیز «سعی و اهتمام داوران برای اصلاح و دفع اختلاف» مورد تأکید واقع شده است. همان گونه که ملاحظه می شود قانون گذار در جعل بسیاری از شرایط یاد شده از نظر مشهور فقها پیروی کرده است؛ اگر چه تعدادی از شرایط، از لزوم داشتن چهل سال یا متأهل بودن، از سابقه فقهی روشنی برخوردار نیست. آنچه که جالب توجه است اینکه در این قانون به صراحت از لزوم مرد بودن داوران ذکری به بیان نیامده است و چون قانونگذار در مقام میان شرایط داوران و احصای آن بوده است این امر می تواند دلیل بر بی اعتباری شرط رجلیت برای داوران خانوادگی از نقطه نظر قانون گذار به شمار میآید. استفاده چنین ظهوری مانع از آن است که به بهانه سکوت قانونگذار، مراجعه به فقه را تجویز نماییم حتی اگر بتوان به مشهور فقها نیز اشتراط رجلیت داوران را نسبت داد؛ زیرا مطابق ضوابط قانونی موجود (مانند اصل ١٦٧ قانون اساسی) مراجعه به فقه در طول مراجعه به قانون و بعد از آن تجویز شده است.

مؤید این برداشت آن است که در بعضی از قوانین کشورهای اسلامی و اهل سنت در باب داوری خانوادگی که با تأثیر از آرای فقهای عامه تدوین شده است و مقنن، تحت این تأثیر بوده است. به صراحت از مرد بودن داوران نام برده است. به طور نمونه مطابق ماده ۷ قانون سال ۱۹۲۹ مصر که مورد پذیرش کشور امارات متحده عربی نیز قرار گرفته است. «دو مرد عادل بودن حکمین»مورد تصریح قرار گرفته است. به نظر میرسد مسلم نبودن این شرط درمتون فقهی و تفاوت منصب قضاوت به معنای دقیق آن با داوری؛ علی رغم برخورداری نهاد داوری از بعضی خصیصه های حکومت مثل لازم الاجرا بودن بخشی از نظرات داوران برای زوجین، باعث شده است تا قانون گذار بعد از پیروزی انقلاب، رجلیت را در داوران شرط نداند؛ اگر چه مطابق رویه جاری این مردان هستند که توسط دادگاههای خانواده به سمت داوری برگزیده می شوند.

۳-۳ تحولات نهاد داوری در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

قانون حمایت خانواده گه در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در ۵۸ ماده تنظیم شده و ناسخ بسیاری از قوانین پیش از خود در قلمرو خانواده است (عناوین این قوانین منسوخ در ماده ی ۵۸ این قانون درج شده است). بیشتر مواد این قانون به تشریفات و شرایط و رسیدگی در دادگاه های خانواده پرداخته و در برگیرنده ی قواعد شکلی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی است که در قوانین قبلی سابقه نداشته است. در این قانون نیز ارجاع اختلاف به داوری منحصر به مورد طلاق شده و حتی در مورد طالق نیز طلاق توافقی از موارد ارجاع به داوری استثنا شده است (اسدی و شکری، ۱۳۹۳ :۱۸۹).البته شاید بتوان گفت بتوان گفت دلیل استثنا کردن طلاق توافقی از ارجاع به داوری عالوه بر توافق و نظر مشترک خود زوجین نسبت به طالق، ارجاع پرونده ی این نوع طلاق به مراکز مشاوره خانواده باشد.

این مراکز نیز با هدف تحکیم مبانی خانواده و سعی در جهت صلح و سازش زوجین تشکیل شده است. با وجود این شاید از نظر قانونگذار ارجاع مجدد پرونده به داوری(آن هم با هدف ایجاد صلح و سازش(کاری عبث باشد. به علاوه می توان گفت در صورتی که طلاق، توافقی باشد. نظر داوران منتخب نیز از پیش مشخص است و شاید بدین لحاظ قانونگذار ضرورتی به صرف زمانی برای اخذ نظر داوران ندیده باشد.

در موارد ارجاع پرونده به داوری، دادگاه میبایست با توجه به نظر داوران رأی خود را صادر کند. در صورت نپذیرفتن نظر داوران باید با ذکر دلیل از نظر ایشان عدول کند. به موجب ماده ۲۸ قانون حمایت خانواده، داوران می بایست ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابالغ، توسط زوجین به دادگاه معرفی شوند. این امر در ماده ی ۱۲ آیین نامه اجرایی نیز تأکید مجدد شده است. این داوران باید از اقارب متأهل بوده و حداقل ۳۰ ال سن داشته باشند و آشنا به مسائل شرعی و خانوادگی و اجتماعی باشند. البته شرط تأهل در خصوص داور زوجه شرایطی دربرداشته شده و به موجب تبصره ۱ این ماده محارم زوجه که همسرشان فوت کرده یا از هم جدا شده باشند در صورت وجود سایر شرایط می توانند به عنوان داور انتخاب شوند. به نظرمی رسد دلیل این امر به نحوی حمایت ویژه تر از زوجه ی طرف دعوی نسبت به زوج و با در نظر گرفتن ویژگی های روحی و عاطفی زنان باشد. چراکه زن ممکن است تمایل داشته باشد یکی از محارمش که به نحو دقیق تری در جریان مسائل زندگی اوست و حس عاطفی قوی تری نسبت به سایرین با او دارد را به عنوان داورش انتخاب شود تا بتواند حمایت لازم و تصمیم گیری درست تری نسبت به وضعیت او انجام دهد. و چنان چه زوجین خودشان از انتخاب داور امتناع کنند یا به دلیلی توانایی این کار را نداشته باشند، از طرف دادگاه رأسای یا به درخواست هر یک از طرفین داور تعیین می شود.

نکته ای که قانونگذار برای اولین بار در این قانون مطرح کرده است. لزوم (رعایت نظر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

داوران در صدور حکم دادگاه و یا رد نظر داوران با ذکر دلیل است). براین اساس، قاضی نمی تواند بی جهت و بدون ذکر دلیل نظر نهایی داوران را نپذیرد و اگر به هر دلیل تصمیم به عدول از این نظر را دارد. باید دلیل خود را برای رد نظر ایشان اعلام دارد. این لزوم در حالی است که قانونگذار در خصوص مشاوران خانوادگی چنین الزامی را قرار نداده است وقاضی حتی در ارجاع پرونده به این مرکز مختار است. این نحوه ی برخورد قانونگذار با داوری، اهمیت این نهاد درخانوادگی را دوچندان نموده است. درحقیقت سرنوشت یک زندگی به دست داوران سپرده می شود. لذا می بایست در انتخاب داوران دقت ویژه ای به عمل آید و خود ایشان نیز به اهمیت مسئولیتی که بر عهده ایشان نهاده شده است واقف شوند.

٤- شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف از منظر فقهی

در باب شیوه های جایگزین حل و فصل اختالف مبانی و مصادیق فقهی منسجمی وجود ندارد و اغلب به صورت پراکنده و جزیی بدان ها پرداخته شده است. و این موضوع نیز جای تامل دارد. لذا به نظر می رسد که در این راستا هم به لحاظ حقوقی و هم به لحاظ فقهی نیاز به باب های جداگانه و منسجمی می باشد تا بتوان با دقت نظر در آن مبانی پویاتر نسبت به این شیوه ها اتخاذ و ارائه شود. در این جای قسمت به چند نمونه پراکنده از مبانی فقهی شیوه های فوق می پردازیم.

١-٤داوری از دیدگاه فقهی

داوری از شیوه های بسیار قدیمی است و به همین دلیل از اعتبار بسیاری بین افراد برخوردار است. داوری در اسلام نیز معمول بوده و وقتی دو نفر با هم در امور مالی یا غیر مالی اختلاف پیدا می کردند می توانستند توافق نمایند که برای فیصله دادن به اختلاف یک نفر را به عنوان حکم یا داور انتخاب کنند، داوری در فقه تحکیم نامیده می شود. تحکیم آن است که طرفین دعوی شخص یا اشخاصی را برای رسیدگی صدور رأی در مورد امر مورد نزاع خود برگزینند که در این صورت هر یک از طرفین را محکم و داور نیز قاضی تحکیم نامیده می شود. پس از دادن این اختیار به داور آن را در اصطلاح ولایت تحکیم می نامند. هر چند در مورد قلمرو داوری میان مذاهب مختلف اسلامی وجود دارد اما میتوان گفت که اصل جواز داوری مورد قبول همه مذاهب مختلف قرار گرفته است. قرآن کریم در دعاوی خانواده از داوری به «حکمیت» تعبیر نموده است. واژه «حکم» در اصل از آیه ی ۳۵ سوره مبارکه نساء گرفته شده است. در این آیه دستور داده شده است که در صورت وقوع اختلاف بین زن و شوهر، حکمی از دو طرف برگزیده شود:

»وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابعثُوا حَكَمًا مِن أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِن أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصالحا يُوَفِّقِ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اللَّهُ بَينَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرً»یعنی: و اگر از ناسازگاری میان زن و مرد بیم دارید، داوری از اقوام مرد و داوری از اقوام زن تعیین کنید. اگر آن ها سر سازگاری داشته باشند، خدا میانشان آشتی خواهد داد. بی شک خداوند، دانای آگاه است.

فقهای اهل سنت برای جواز داوری که در کلیه مذاهب با عنوان «قاضی تحکیم» از آن یاد می شود علاوه بر آیه مبارکه فوق، به حدیث نبوی (من حکم بین اثنین فتراضیا به فلم یعدل فعلیه لعنه الله) و نیز سنت پیامبر اکرم (ص) درعمل به داوری در بعضی از موارد از جمله داوری سعد بن معاذ در اختلاف بین پیامبر (ص) و قبیله بنی قریظه و هم چنین اجماع صحابه و عمل به آن از جمله در مورد داوری عبدالرحمن بن عوف برای تعیین خلیفه پس از فوت عمر و داوری ابوموسی اشعری و عمروعاص در جنگ صفین استناد کرده اند (ساکت، ۱۳۸۲ :۸۸).

مشروعیت داوری اصوالا مورد تأیید فقهای بزرگ اسلام بوده و دلیل عمده بعضی از فقهای امامیه نیز برای جواز و نفوذ داوری به روایت احمد بین فضل کناسی ازکشی از امام صادق (ع) و نیز حدیث مرسله از پیامبر اسلام (ص) که میفرماید«من حکم بین اثنین فتراضیا به فلم یعدل فعلیه لعنته الله» یعنی: «آن کس که بین دو نفری که او را برگزیده اند بدون رعایت عدالت حکم کند، لعنت خداوند بر او باد». استناد کرده اند. اما به دلیل اینکه ظاهر روایت احمد بن فضل کناسی دلالت برتعیین قاضی تحکیم و ولایت وی ندارد و حدیث مرسله نیز از سوی اهل سنت نقل شده است و همچنین این حدیث نیز برای بیان کیفیت حکم و لزوم رعایت عدالت از سوی قاضی است و نه برای بیان جواز قضاوت تحکیمی، فقهای شیعه عمدتا جهت مشروعیت قاضی تحکیم و جایز بودن آن به اجماع تمسک جسته اند)النجفی، ۱۳٦۲:۲).

فقها در آثار فقهی خود و در بخش «کتاب القضاء»قضات را به دو نوع تقسیم می کنند: یکی قاضی منصوب است که از طرف امام منصوب می شود و دیگری قاضی تحکیم (داور) است که بدون داشتن اذن از سوی امام، اصحاب دعوی بر داوری وی توافق میکنند. قول مشهور فقها، کلیه شرایطی را که برای قاضی منصوب لازم می داند از قبیل بلوغ، عقل، اسالم، عدالت،علم (اجتهاد)و ذکوریت، در مورد قاضی تحکیم نیز للاززم الرعایه می داند و تنها تفاوت این دو را لازم نبودن اذن و نصب از سوی امام در مورد قاضی تحکیم دانسته است.

در مورد اثر حکم داوری نیز باید گفت که بعضی از فقها در صورتی حکم داور را الزام آور می دانند که طرفین پس ازصدور حکم بر آن تراضی نمایند (الموسوی خوئی،۱٤۱۲ق: ٦ ..)اما بعضی دیگر از فقها مانند صاحب شرائع، حکم داور را الزام آور می داند بدون آنکه لزومی به توافق طرفین وجود داشته باشد. به گفته صاحب شرائع «اگر دو طرف دعوا بر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

(داوری)یک شخص توافق نمایند و دعوا را نزد وی طرح نمایند و آن شخص بین این دو داوری کند حکمش الزام آور است و به رضایت طرفین بعد از صدور حکم نیازی نیست». به هر حال صرف نظر از اینکه در مورد برخی از مسائل مربوط به داوری و به ویژه در مورد قلمرو آن و جایز بودن داوری در غیر اموال در میان فقها اختلاف وجود دارد، این نکته مسلم است که اصل داوری(تحکیم) از لحاظ فقهی جایز و بلا اشکال است و طرفین می توانند حل و فصل دعوای خود را به قاضی تحکیم واگذار نمایند (سنگلجی، ۱۳۸۱ :۳۸).

۲-٤ سایر شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف از لحاظ فقهی

سایرشیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف نیز از آن جایی که هم چون سازش، به صورت دوستانه و با تراضی طرفین ختلاف حل و فصل می گردد. نتایج حاصل از این شیوه ها که در غالب موارد در قالب قرارداد جای می گیرد. به لحاظ قراردادی بودن از نظر فقهی مورد تأیید است و بنابراین ادله ای که بر اعتبار قراردادها و لزوم وفای به عهد و پیمان دلالت دارد (مانند قاعده اوفوا بالعقود) نتایج مزبور در بر میگیرد. پس طرفین اختلاف باید قراردادی را که در خصوص حل و فصل اختلاف منعقد می کنند محترم شمارند و گرنه مسئولیت قراردادی عهد شکن هم چون سایر قراردادها مطرح خواهد شد)جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱ :٤٥٣).

۳-٤صلح و سازش از نگاه فقه اسلامی

دین مبین اسلام دین صلح و دوستی است اسلام ذاتا دین صلح است و مصلحت اجتماعی جامعه بشری را در زیباترین واژه ادبیاتی صلح بیان نموده است و تمام افراد جامعه را از بهترین اعمال انسانی برشمرده است به گونه ای که ایجاد صلح و آشتی در بین برادران دینی را از نیکوترین ویژگیهای انسانیت و از اخلاق حسنه برشمرده است.

در مورد سازش (صلح) بین مسلمانان و جواز حل و فصل از این طریق نیز همانند داوری، تردیدی وجود ندارد. آیات و روایات زیادی مسلمانان را به صلح و سازش و حل منازعات از این طریق فرا می خواند. در قرآن کریم آمده است:«و الصلح خیر» (سوره نساء، آیه ی ۱۲۸). یعنی: صلح بهتر است.

»انما المومنون اخوه فاصلحو بین اخویکم« (الحجرات، آیه ۱۰).یعنی: همانا مومنان با هم برادرند پس میان برادران خود صلح و سازش برقرار نمایید.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در آیات دیگری نیز هم چون آیه ۳٦ و ۱۱٤ سوره نساء و آیه ۱ سوره انفال و آیه ۹ سوره حجرات تأکید قرآن کریم بر صلح و سازش مشاهده می شود. در روایات اسلامی نیز به این مقوله توجه زیادی شده است. در اصول کافی از امام صادق (ع) نقل شده است: «ان الصلح لیس بکذاب»یعنی: مصلح دروغگو نیست. در منابع اسلامی صلح و آشتی از چنان اهمیتی برخوردار است که امام صادق)ع(اجازه داده بودند که نزاع بین شیعیان با پرداخت از مال آن حضرت رفع گردد. ایشان به مفضل بن عمر کارگزار مالی خود فرمودند: «إذا رأیت بین اثنین من شیعتنا منازعه فافتدها من مالی» یعنی: زمانی که بین دو نفر از پیروان ما نزاعی را دیدی از مال من بپرداز تا با یکدیگر آشتی کنند(حر عاملی،۱۳۹۳ .(۱٦۱.

آیات و روایات مزبور نشانه اهمیت صلح و سازش در اسلام و تأکید بر حل و فصل دوستانه در این دین آسمانی است. بالاتر از آن در بسیاری از متون اسلامی تشویق به سازش از سوی قاضی به عنوان یکی از آداب شایسته قضاوت، مورد تأکید قرار گرفته است. به همین منظور قاضی می تواند بین اصحاب دعوا اقدام به میانجیگری نماید و آنها را به سازش و حل و فصل دوستانه اختلاف ترغیب نماید و این اقدام و اختیار که بعضی از فقها بر استحباب آن نظر داده اند، مختص امور مدنی نیست و امور کیفری (جرایم تعزیری) را نیز در بر می گیرد (صادقی،:۱۳۸٤:۱٦٥).

ز طرفی دیگر در مورد داوری و جواز و نفوذ آن تردیدهایی ابراز شده است و فقها قاضی تحکیم را همانند قاضی منصوب مشمول بعضی از سختگیری ها دانسته و حکم کرده اند که قضات تحکیم نیز باید غالب شرایط قضات منصوب را دارا باشند، در مورد اشخاص ثالثی که در سایر شیوه های دوستانه حل اختلاف، اقدام می نماید، حداقل کلیه شرایط و سختگیری های مزبور را نمیتوان قابل اعمال دانست. این تفاوت ناشی از نحوه حل و فصل اختلاف در داوری و سایر شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف است. همان گونه که گفته شد، داور هم چون قاضی، به تمییز حق از ناحق میپردازد و رأی وی هم چون حکم قاضی، حقوق طرفین دعوا را مشخص می سازد. بنابراین طبیعی است که در مورد روش داوری و شخصی که به داوری می پردازد حساسیت های زیادی وجود داشته باشد که احیانا حقوق اشخاص بازیچه افراد ناصالح قرار نگیرد و عدالت در برابر خواست ها و یا ناآگاهی این اشخاص قربانی نشود. اما در سایر شیوه ها مسئولیت تعیین و تمییز حقوق برعهده خود طرفین قرار می گیرد. شخص ثالث هم اگر در این میان دخالت دارد، نقش وی تنها نزدیک کردن طرفین به هم و تسهیل حل و فصل اختلاف است. پس به عنوان مثال اگر در مورد داوری بسیاری از فقها عقیده دارند که شرط رجولیت در مورد قاضی تحکیم نیز جاری است، نمی توان این حکم را به میانجی نیز تعمیم داد. چرا که میانجی رأی الزام آور صادر نمی کند و تنها تلاش میکند که اختلاف را با تراضی طرفین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فیصله دهد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که غیر از داوری مشروعیت و نفوذ سایر شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف نیز از نظر شرعی با مشکلی مواجه نیست و اشخاص می توانند خود را از طریق این شیوه ها حل و فصل نمایند (ساکت، ۱۳۸۲ :۳۸).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه گیری

نهاد خانواده از مهمترین نهادهای اجتماعی است و به همین دلیل، قوانین و مقررات مربوط به خانواده نیز اهمیت خاصی دارد. در میان قوانین مربوط به خانواده، مقررات مربوط به حکمیت یا داوری نیز واجد اهمیت است، زیرا هدف آن استواری روابط خانوادگی و قداست آن است. قانونگذار برای نیل به هدف مذکور و به منظور یافتن راه حلی که بهتر بتواند استحکام روابط خانوادگی را تأمین نماید، مقررات مربوط به داوری در حقوق خانواده را بارها تغییر داده و این بخش از قوانین ما پیوسته در حال تغییر بوده است .اما انجام داوری و تلاش در جهت حل اختلاف، زمانی مفید است که زوجین به مراجع قضایی، شبه قضایی و مراجع انتظامی مراجعه نکرده اند چون در محاکم قضایی بیشتر به فصل خصومت می پردازند تا حل اختلاف .

در نتیجه، درمیان قوانین مربوطبه‌خانواده، مقررات‌مربوط به‌حکمیت یا داوری نیز واجداهمیت است، زیرا هدف‌آن‌استواری روابط‌خانوادگی است. قانونگذار برای نیل به هدف‌مذکور که بهتر بتوانداستحکام روابط خانوادگی راتأمین نماید، شرایط وآثاری را برای داوری در رسیدگی به اختلافات خانوادگی در نظر گرفته است که در این مقاله به آنها پرداختیم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فهرست منابع:

ر الکلام، تهران، المکتبۀ السلامیۀ، چاپ چهارم، ج۳ و ۳۰ و ۳

–نوری طبرسی، میرزا حسین(۳۹۰.)مستدرک الوس–اباذری فومشی، منصور(۱۳۸۸)نحوه عملی رسیدگی به دعاوی و شکایات خانوادگی، قم– اهل بیت چاپ۸

–امامی، سید حسن(۱۳٦٤)حقوق مدنی ،انتشارات ابوریحان بهار

–داغی– فاطمه(۱۳۸۸)آیین دادرسی در دادگاه های خانواده، نشر بنیاد حقوقی میزان،چاپ پنجم

–بهبهانی ،محمد رحیم (۱۳۹۵) ،جایگاه نهاد داوری در حقوق ایران بارویکرد فقهی ، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی،،شماره۱۸،ص۹تا۲۱

–جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۷۲).ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش چاپ ششم تهران

–سبحانی(۱۳۸۰).نظام الطلاق، قم، مؤسسۀ امام الصادق (ع)، چاپ اول، ١٤١٤ ق

–دادمرزی،سید مهدی(۱۳۹۲).شرایط داوران در داوری خانوادگی، حوراء، چاپ دوم، شماره ۱

–صدرزاده افشار، سید محسن(۱۳۷٤).آیین دادرسی مدنی، بازرگانی، جهاد دانشگاهی چاپ چهارم

–طباطبایی، سید علی(۱۳۹۰).ریاض المسائل، قم، مؤسسۀ النشر السلامی، چاپ اول، ١٤١٩ ق، ج۱۰.

–علیمردانی ، صدیقه(۱۳۸٦).نقش داوری در حل و فصل اختلافات خانوادگی زوجین متقاضی طلاق ،پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان.

–فاضل لنکرانی، محمد(۱۳۸۰).جامع المسائل، قم، امیر العلم، چاپ دهم، ج۲

–محمد زادۀ اصل، حیدر(۱۳۷۹)داوری در حقوق ایران، تهران، انتشارت ققنوس، چاپ اول،

–مدنی، سید جالل الدین(۱۳۸۵)حقوق مدنی، انتشارات پایدار،

–مرندی، محمدرضا، اسعد، محمد تقی(۱۳۹٦).مزایای داوری اختلافات خانوادگی بر رسیدگی توسط شورای حل اختلاف ودادگاه. فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره: ۳ ،شماره: ۱

–موسوی خویی، سید ابوالقاسم(۱۳۷۱)مصباح الفقاهۀ، وجدانی، چاپ سوم، ج۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

-مکی عاملی (شهید اول). محمد بن جمال الدین، اللمعة الدمشقیة، قم، دار الفکر، چاپ اول، قم

-موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا(۱۳۹۰).کتاب القضاء، قم، دار القرآن الکریم، بی تا، ج۱.

-نجفی خوانساری، شیخ موسی(۱۳۸٤).حاشیة المکاسب، مؤسسة النشر السلامی، چاپ اول، ۱٤۱۸ ق، ج۳

-نجفی، محمد حسن(۱۳۷٤).جواه ائل، بیروت، آل البیت، چاپ اول، ۱٤۰۸ق، ج۱٤

-هدایت نیا ،فرج الله(۱۳۸٤)نقد داوری در دعاوی خانوادگی: از مقررات تا اجرا،نشریه مطالعات راهبردی زنان ،شماره۲۷،ص۷٦تا۱.

Archive of SID.ir